



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳

مصادف با: ۲۰ رجب ۱۴۳۵

جلسه: ۲۹

موضوع کلی: بررسی وثاقت بعضی روایات مورد اختلاف

موضوع جزئی: ۷- مفضل بن عمر

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بررسی ادله وثاقت:

بحث درباره مفضل بن عمر بود، ادله‌ای بر وثاقت مفضل ذکر شد و در مقابل چند دلیل هم بر ضعف او ذکر شده اما ما ابتدائاً ادله‌ای که بر وثاقت مفضل بن عمر اقامه شده را مورد بررسی قرار می‌دهیم و بعد از آن ادله ضعف را هم مورد بررسی قرار خواهیم داد.

دلیل اول روایت اجلاء بود، عرض کردیم بعضی از اجلاء از جمله ابن ابی عمیر و محمد بن مسلم از مفضل بن عمر روایت نقل کرده‌اند. همان طور که کراراً عرض کردیم روایت اجلاء از شخصی دلیل بر وثاقت او نمی‌باشد الا اینکه در اینجا شخصی مثل ابن ابی عمیر از مفضل روایت نقل کرده که از مشایخ ثقات می‌باشد که «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» که در این صورت می‌توان نقل ابن ابی عمیر به عنوان یکی از مشایخ ثقات از مفضل بن عمر را دلیل بر وثاقت مفضل دانست.

وقوع در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم هم با توجه به اینکه در هر دو بخش این کتاب نام مفضل آمده، می‌تواند دلیل بر وثاقت باشد. بله اگر صرفاً در بخش دوم از مفضل نام برده شده بود دال بر وثاقت او نبود.

عدم استثناء ابن ولید هم تا حدودی می‌تواند مؤید وثاقت مفضل باشد.

کلماتی هم که اعلام رجال درباره مفضل گفته‌اند قابل توجه است؛ مثلاً شیخ مفید او را از خواص اصحاب امام صادق (ع) برشمرده و او را از ثقات از فقهاء دانسته است، البته این کلام شیخ مفید مفضل را از نظر اعتقادی و علمی تأیید می‌کند اما تصریح به وثاقت مفضل در نقل روایات از این عبارت فهمیده نمی‌شود.

شیخ طوسی هم در کتاب الغیبه مفضل را از وکلاء ممدوح برشمرده اما او را توثیق نکرده بعلاوه در کتاب فهرست و در کتاب رجال نه به مدح و نه به ذم درباره مفضل چیزی نگفته است. در کتاب تهذیب هم بعد از اینکه روایتی را نقل می‌کند که سند آن به محمد بن سنان و مفضل بن عمر منتهی می‌شود فرموده: «فاول ما فی هذا الخبر انه لم یروه غیر محمد بن سنان عن المفضل بن عمر و محمد بن سنان مطعونٌ علیه ضعیفٌ جداً»^۱ شیخ طوسی در این عبارت محمد بن سنان را ضعیف دانسته ولی درباره مفضل بن عمر چیزی نگفته است و شاید اینکه شیخ متعرض مفضل نشده دلیل بر اعتماد شیخ به مفضل بوده کما اینکه مرحوم آقای خویی به این مطلب اشاره کرده است.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۳۲۴.

لکن ممکن است گفته شود عدم تعرض شیخ طوسی به مفضل نمی‌تواند دلیل بر وثاقت مفضل باشد چون طبق مبنای شیخ طوسی عدم خدشه دلیل بر توثیق نیست لذا نمی‌توان گفت کلام شیخ طوسی در عدم تعرض به مفضل دلیل بر وثاقت اوست. به هر حال حداقل این است که شیخ طوسی در بعضی مواضع به مدح مفضل پرداخته و در بعضی مواضع هم نه او را مدح کرده و نه مورد مذمت قرار داده است.

اما آنچه ابن شهر آشوب و ابن طاووس که متأخر از اوست درباره مفضل نقل کرده‌اند چندان قابل اعتماد نیست. لذا اجمالاً آنچه اعلام رجال درباره مفضل گفته‌اند می‌تواند دلیل بر مدح مفضل باشد ولی وثاقت او را ثابت نمی‌کند.

اما روایاتی که در مدح مفضل وارد شده بعضاً از نظر سندی مشکل دارد و ضعیف هستند و بخشی از روایات هم از طریق خود مفضل نقل شده بنا بر این قابل اعتماد نیست، البته بعضی از این روایات سنداً صحیح هستند و چه بسا از نظر دلالت هم بتوان به این روایات اعتماد کرد، لذا اجمالاً ادله‌ای که دال بر وثاقت مفضل بن عمر است قابل قبول است لکن بعضی از این ادله مورد اشکال واقع شده است.

ادله ضعف:

دلیل اول: ذم بعضی از بزرگان علم رجال

۱- نجاشی در ترجمه مفضل می‌گوید: «کوفی فاسد المذهب مضطرب الروایة لا یعبأ به و قیل انه کان خطیباً و قد ذکرت له مصنفات لا یعول علیها»^۱

۲- ابن غضائری درباره او گفته: «ضعیف متهافۀ مرتفع القول خطابی و قد زید علیه شیء کثیر و حمل الغلاة فی حدیثه حملاً عظیماً و لایجوز ان یکتب حدیثه»^۲

بعضی هم اصلاً متعرض مفضل بن عمر نشده‌اند.

دلیل دوم: اشکال در عقیده و مذهب

اشکالاتی به عقاید مفضل وارد شده و نقل شده که از نظر مذهب مشکل داشته و از فرقه خطابیون بوده است.

دلیل سوم: روایات دال بر مذمت مفضل

بعضی روایات در مذمت او وارد شده است.

بررسی:

در مجموع بخشی از آنچه نجاشی در مورد مفضل گفته مربوط به فساد مذهب اوست و این هم عمدتاً به خاطر همان مطلبی است که ابن غضائری درباره مفضل گفته، ابن غضائری کثیری از روایات را متهم به غلو کرده و این منشأ بعضی از اظهار نظرات امثال نجاشی است لذا اصل فساد عقیده مفضل شاید روشن نباشد. تضعیف ابن غضائری هم قابل اتکاء نیست چون ابن غضائری کثیراً به تضعیف اشخاص می‌پرداخته لذا در میان رجالیون نظر قابل توجهی مبنی بر تضعیف مفضل بن عمر مشاهده نمی‌شود. بعلاوه در مقابل نجاشی و ابن غضائری عده‌ای هم مفضل را مدح کرده‌اند.

۱. رجال نجاشی، ج ۲، ص ۳۵۹.
۲. مجمع رجال الحدیث، ج ۶، ص ۱۳۱.

اما مسئله فساد عقیده مفضل به نظر می‌رسد بر فرض که پذیرفته شود لطمه‌ای به وثاقت او نمی‌زند. روایاتی هم که بر مذمت او اقامه شده و بعضی خواسته‌اند از این روایات ذم مفضل را استفاده کنند هم در مقابل روایاتی که دال بر مدح اوست و بعضاً سنداً صحیح هستند قابل اعتماد نیست، چون روایات دال بر تضعیف سنداً دچار اشکال است.

نتیجه:

لذا در مجموع آنچه که در مورد مفضل بن عمر می‌توانیم بگوییم این است که روایاتی که از او نقل شده اگر از نظر مضمون و مفاد، مضامین و مفادی نباشد که خاص و نادر و بر خلاف عقاید شیعه باشد قابل قبول است. کسانی هم که در مورد مفضل اظهار نظر کرده‌اند عمدتاً او را مدح کرده‌اند و توثیق از کلمات آنها استفاده نمی‌شود.

نقل ابن ابی عمیر و محمد بن مسلم هم موجب اطمینان می‌شود اما در روایاتی که در کتب اربعه از مفضل بن عمر نقل شده نام ابن ابی عمیر و محمد بن مسلم نیامده و این خود علامت سؤال است که چگونه ممکن است در طریق هیچ یک از روایاتی که کلینی، شیخ طوسی و شیخ صدوق از او در کتب اربعه نقل کرده‌اند نام ابن ابی عمیر و محمد بن مسلم نیامده باشد و این خود موجب تأمل است.

لذا اگر بخواهیم یک قضاوت نهایی درباره مفضل بن عمر داشته باشیم اجمالاً می‌توانیم بگوییم جانب وثاقت او بر جانب ضعف ترجیح دارد اگر چه به طور قطعی و یقینی هم نمی‌توانیم وثاقت او را ثابت بدانیم و ادله‌ای هم که بر وثاقت مفضل اقامه شده تا حدودی ظن به وثاقت او را برای ما ایجاد می‌کند. البته باید روایاتی که از طریق او نقل شده مورد بررسی دقیق‌تر واقع شود تا مشخص شود مطالبی که در این روایات آمده بر خلاف عقاید امامیه است یا نه ولی در مجموع می‌توان گفت جانب وثاقت مفضل بر عدم وثاقت رجحان دارد.

ما تا اینجا مباحث عمده علم رجال را مورد بحث قرار دادیم، آنچه از این مباحث مد نظر ما بود مباحثی بود که از حیث نیاز و کاربرد باید با آنها آشنا می‌شدیم و سعی شد یک ترتیب و نظم نسبی منطقی از حیث تقدم و تأخر مباحث هم رعایت شود. بعضی از مباحث دیگر هم باید مورد اشاره قرار گیرد که ان شاء الله اگر خداوند تبارک و تعالی توفیق دهد در سال تحصیلی جدید به آن خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»